

مقایسه تطبیقی مفاهیم خشونت در تحقیقات جنسیت، زنان، خانواده در ایران و کشورهای توسعه یافته بر اساس تحلیل هم‌خدادی واژگان

رضا کریمی^{۱*}، سمیه عرب خراسانی^۲، فائزه‌السادات طباطبایی امیری^۳، محمدرضا نصیری^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و مقایسه روند موضوعی مفاهیم خشونت در تحقیقات جنسیت، زنان و خانواده میان کشورهای توسعه یافته و ایران در سه بازه زمانی صورت گرفته است. این پژوهش از نوع مطالعات علم‌سنجی و با استفاده از روش تحلیل هم‌خدادی واژگان و نمودار راهبردی انجام شده است. جامعه پژوهش تعداد ۳۲۴۶ تولیدات علمی کشورهای توسعه یافته وب او نولج و ۱۲۹۵ مقاله فارسی منتشر در ایران از پایگاه تحقیقات پژوهشکده زن و خانواده است. براساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، واژگان هسته در قبل از سال ۱۳۸۰ شامل ۴ کلیدواژه در پژوهش‌های داخلی و در بازه زمانی سال ۲۰۰۰ در پژوهش‌های کشورهای توسعه یافته ۱۲، دهه ۱۹۸۰، ۱۴ و در فاصله میان ۲۰۰۰-۲۰۱۰ میلادی ۳۰ کلیدواژه و دهه ۱۹۹۰، ۲۶ و در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۰ شامل ۵۶ کلیدواژه مرتبط بوده است. چهار کلیدواژه اصلی پیش از دهه ۱۹۸۰ شامل خشونت خانگی، خشونت، خشونت خانگی علیه زنان و خشونت علیه زنان معادل چهار کلیدواژه اصلی مطالعات کشورهای توسعه یافته شامل خشونت خانگی، خشونت، همسرآزاری و زنان است. دو کلیدواژه اول شامل خشونت خانگی و خشونت در دو حوزه فارسی و لاتین کاملاً مشابه هستند. در دهه ۱۹۸۰ چهار کلیدواژه نخست پژوهش‌های داخلی شامل خشونت خانگی، خشونت، خشونت علیه زنان و همسرآزاری است که معادل کشورهای توسعه یافته آن در رتبه‌بندی Gendered-based violence, Aggression, Battered women & Dating violence است. در دهه ۱۹۹۰ چهار کلیدواژه نخست پژوهش‌های داخلی شامل خشونت خانگی، خشونت خانگی علیه زنان، خشونت علیه زنان و خشونت شوهر است. معادل کشورهای توسعه یافته چهار کلیدواژه نخست در مطالعات لاتین شامل Intimate violence, Domestic violence, violence & Gender اشاره شده است که به نوعی تکرار کلیدواژه‌های دهه پیشین میلادی با تغییر در رتبه‌بندی و پرداخت پژوهشی به آن‌هاست. کلیدواژه‌های دهه ۱۹۸۰ (دوره دوم) نسبت به قبل از ۱۳۸۰، ۴۲ درصد متفاوت بوده است و کلیدواژه‌های دهه ۱۹۹۰ (دوره سوم) نسبت به دهه ۱۹۸۰ (دوره دوم)، ۶۲ درصد تغییر داشته است. برآیند کلی سه دهه مؤید این مسئله است که پژوهش‌های حوزه خشونت در حوزه جنسیت، زنان و خانواده با موضوعات کلی قبل از ۱۹۸۰ شروع شده و در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به صورت تخصصی‌تر واکاوی شده‌اند.

کلیدواژگان

ترسیم ساختار علم، خشونت، خشونت خانگی، خشونت علیه زنان، زنان، هم‌خدادی واژگان.

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)
karimirez@gmail.com
 ۲. هیئت علمی پژوهشکده زن و خانواده
sohakhorasani@wrc.ir
 ۳. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز
faeze.tabatabai@gmail.com
 ۴. دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه قم
mrnasiri1989@gmail.com
- تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

مقدمه و بیان مسئله

دستاوردهای پژوهشی از بااهمیت‌ترین فعالیت‌های دانشگاهی و مؤسسات پژوهشی است که می‌تواند زمینه‌ای برای رسیدن به جامعه‌ای توسعه‌یافته و سالم برای مردم کشور باشد. از این رو، شناخت و ارزیابی تولیدات پژوهشی برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و نیز پژوهش‌گران امری ضروری است. مشابه موضوعات دیگر، در حوزه جنسیت، زنان، خانواده در ایران و جهان تولید دستاوردهای پژوهشی رشد چشمگیری داشته است. یکی از مباحث مهم این حوزه خشونت است که در پژوهش‌ها با توصیف‌گرهایی همچون خشونت خانوادگی، خشونت خانگی، خشونت شریک زندگی، خشونت روان‌شناختی، خشونت اجتماعی، خشونت غیررسمی، خشونت خانوادگی و خشونت جنسی و غیرجنسی نمود یافته است. خشونت علیه زنان از مسائل مهم در سراسر جهان است که از انواع رایج آن، خشونت در خانواده یا خشونت خانگی است. خشونت خانگی همراه با بیشترین تکرار و کمترین گزارش به پلیس و بیشترین عوارض اجتماعی، روانی و اقتصادی بوده که تأثیرات اساسی بر بهداشت باروری و سلامت زنان دارد و اغلب از سوی نزدیک‌ترین فرد خانواده مانند شوهر/ شریک زندگی به وقوع می‌پیوندد. فولا و میدما^۱ معتقدند روند پژوهش‌های روابط خانوادگی با ماهیت خشونت در کشورهای با اکثریت جمعیت مسلمان در آسیا افزایش یافته است. اما الگوها و روندهای این پژوهش‌ها ماهیت پویا دارد و ایستا نیست و دلایل آن را متأثر از عوامل مذهبی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح جهانی می‌دانند که البته در بسترهای جوامع مختلف به شیوه‌های منحصربه‌فردی ایجاد شده است [۱۹].

خشونت علیه زنان در ارزش‌ها، عقاید اجتماعی و فرهنگی ریشه دارد و در فرهنگ‌های مختلف دارای تنوع و تفسیرهای مختلف در اشکال و ابعاد آن است؛ مثلاً مصادیقی که جامعه غرب به‌منزله خشونت خانگی و خشونت شوهر علیه همسر از آن‌ها یاد می‌کند، در اسلام، فرهنگ اسلامی و کشورهای اسلامی در چارچوب مباحث تمکین قرار می‌گیرند و از مصادیق خشونت نیستند. زاهد زاهدانی و اسفندیاری بر این باورند که اسلام همه اشکال خشونت را ممنوع دانسته و در این مورد نسبت به زنان تأکید بیشتری داشته است؛ به‌طوری‌که دین و باورهای دینی یکی از بهترین شیوه‌های مبارزه با خشونت است [۱۰].

در داخل کشور، پژوهش‌های مرتبط با خشونت علیه زنان می‌تواند ناشی از عوامل ذیل باشد: الف) مباحث رخ داده در جامعه و مسائل اجتماعی در قالب اولویت‌های پژوهشی؛ ب) پژوهش‌های همگام با تغییرات و تحولات رویکرد جهانی مسائل مربوط به جنسیت و زنان زیر چتر بهداشت، سلامت و حقوق بشر در نتیجه پرنگ‌شدن مرزهای خشونت و تعاریف و انواع و مصادیق آن و ظهور آن در پژوهش‌های داخل کشور؛ ج) پژوهش‌هایی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در نفی خشونت علیه زنان.

در سطح جهانی نیز، فعالیت‌ها و دستاوردهای پژوهشی زیادی علیه خشونت زنان طی پنجاه سال اخیر صورت گرفته است. به گونه‌ای که موضوع کنفرانس‌های سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۲ اختلاف خانوادگی و در سال ۱۹۸۰ زنان کتک‌خورده و خشونت در خانواده بود همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه رفع خشونت در سال ۱۹۹۳ را تصویب کرد. کنفرانس‌های متعددی در این زمینه نیز برگزار شد. [۲]. بیش از ۸ هزار مقاله با موضوع خشونت علیه زنان در پایگاه وب آو نالچ^۱ وجود دارد. سه مقاله این حوزه هر یک بیش از ۱۰۰۰ استناد دارند که از این سه مقاله، موضوع دو مقاله خشونت شریک زندگی [۱۸؛ ۲۰] و موضوع مقاله سوم، خشونت مشترک زوجین [۲۳] بوده است.

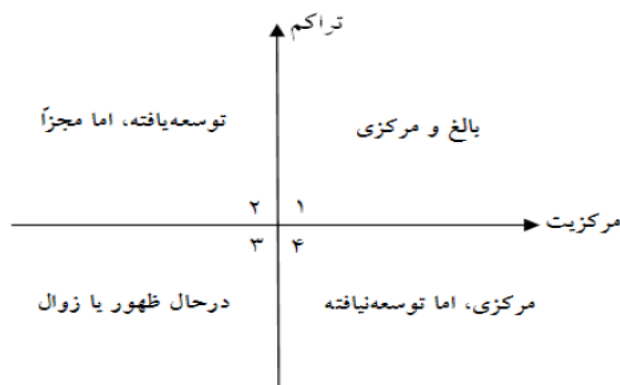
امروزه یکی از شاخص‌ها و شیوه‌های مهم و کاربردی ارزیابی این دستاوردهای پژوهشی، استفاده از مطالعات علم‌سنجی است که به کمک آن می‌توان مواردی همچون: ردیابی موضوعات، شناخت واژگان و مفاهیم و چگونگی ارتباط ساختاری این مفاهیم را مشخص کرد [۲۱].

از تکنیک‌های مهم علم‌سنجی هم‌رخدادی واژگانی است که از آن برای شناسایی ساختار علم و ترسیم نقشه علمی استفاده می‌شود. اساس کار تحلیل هم‌واژگانی بر فراوانی تعداد هم‌رخدادی جفت واژه‌ها و عبارات، و ارتباط میان واژگان به کاررفته در قسمت‌های مختلف مدرک (از جمله عنوان، چکیده، کلیدواژه‌ها و متن) و روابط میان موضوعات در یک حیطه پژوهشی است [۱]. به اعتقاد وگان و لیدسدورف^۲ (۲۰۰۶)، منظور از هم‌رخدادی واژگان این است که دو اصطلاح باهم در یک مدرک به کار برده شوند و هرچقدر هم بیشتر با همدیگر تکرار شده باشند، این دو واژه ارتباط بیشتری باهم دارند [نقل از: ۱۶، ص ۳۲]. از آنجاکه هم‌رخدادی دو اصطلاح یا دو واژه برای کشف رابطه دو موضوع در یک حوزه پژوهشی استفاده می‌شود، می‌توان پیشرفت آن حوزه از علم را دنبال کرد. این روش براساس کلیدواژه‌های پرتکرار، مهم‌ترین گرایش‌های موضوعی پژوهشی در هر حوزه علمی را مشخص می‌کند؛ یعنی میزان رخداد یک واژه نشان‌دهنده میزان اهمیت آن در حوزه علمی موردنظر است [۶]. از بعد مفهومی، صدیقی در سال ۱۳۹۳ مهم‌ترین اهداف تولید نقشه‌های علمی را شناسایی الگوها و گرایش‌ها، ارائه تصویری کلان از وضعیت پژوهش‌های صورت‌گرفته و چگونگی روابط حوزه‌ها با یکدیگر و آگاهی از چگونگی رشد و توسعه این حوزه‌ها بیان می‌کند [۱۳].

یکی دیگر از روش‌های رایج و مهم علم‌سنجی برای شناسایی روند موضوعی مفاهیم، نمودار راهبردی است. استفاده از این نمودار روشی است که در تعیین و تحلیل جایگاه خوشه‌ها و مفاهیم موضوعی ذیل هر رشته موضوعی به پژوهش‌گران کمک شایانی می‌کند [۱۲]. نمودار راهبردی، توصیف ارتباط درونی و همبستگی بین خوشه‌های موضوعی متفاوت است. در این

1. Web of Knowledge (ISI)
2. Wegan & Leydesdorff

نمودار، اغلب از محور افقی برای ارائه مرکزی (میزان همبستگی خوشه‌ها) و از محور عمودی برای ارائه تراکم (میزان توان ارتباط درونی هر خوشه) استفاده می‌شود [۲۴] (شکل ۱). ملسر^۱ و همکاران [۲۵] نمودار راهبردی را کوششی برای مصورسازی بهتر، نمایش بلوغ و انسجام خوشه‌های موضوعی در یک حوزه پژوهشی معرفی می‌کنند.



شکل ۱. بخش‌های نمودار راهبردی

مطابق شکل ۱، نمودار راهبردی به چهار قسمت تقسیم می‌شود: خوشه‌ها در ربع اول منسجم هستند و در حوزه پژوهش شده مرکزیت دارند. این خوشه‌های اصلی بر بخش بزرگی از شبکه تمرکز دارند. خوشه‌ها در ربع دوم همچنان منسجم‌اند، اما از حالت مرکزیت درآمده‌اند و هر یک بخش‌های تخصصی کوچک‌تری از حوزه پژوهش شده را نمایش می‌دهند. در ربع سوم، خوشه‌ها ریزش می‌کنند. خوشه‌های این ربع، بخش‌های نوظهور یا زوال‌پذیر شبکه‌اند. در نهایت، ربع چهارم حاوی خوشه‌هایی است که هنوز به بلوغ نرسیده‌اند؛ اما پتانسیل تبدیل به بخش‌های اصلی را دارند [۲۵]. در هر یک از حوزه‌های موضوعی، خوشه‌ها به شیوه‌های گوناگونی در قسمت‌های چهارگانه نمودار راهبردی توزیع می‌شوند که این پراکندگی، چگونگی حضور موضوعات در حوزه بررسی شده را نشان می‌دهد و می‌تواند موضوعات اصلی، کم‌کارکرد و نوظهور حوزه را شناسایی کند. با انجام دادن این نوع تحلیل می‌توان موضوعات اصلی حوزه بررسی شده، ساختار معنایی و تکامل آن آثار را در گذر زمان مشخص کرد. تحلیل هم‌واژگانی این امکان را در اختیار قرار می‌دهد تا خوشه‌های موضوعی در حال ظهور و همچنین خوشه‌های توسعه‌یافته را در راستای پیش‌بینی مسیر پژوهش‌های آتی آشکار کنیم [۲۲].

با توجه به مباحث مطرح‌شده، پژوهش حاضر تلاش می‌کند مقایسه‌ای تطبیقی میان مفاهیم خشونت در تحقیقات جنسیت، زنان، خانواده در ایران و کشورهای توسعه‌یافته براساس

تحلیل هم‌رخدادی واژگان انجام دهد تا بدین‌وسیله ساختار حوزه موضوعی خشونت و زنان در میان تولیدات علمی کشورهای توسعه‌یافته از قبیل کشورهای امریکای شمالی، اروپای غربی، آفریقای جنوبی و استرالیا در پایگاه وب آو نالچ و تولیدات علمی کشور ایران را در این زمینه ترسیم کند. از این‌رو، تلاش می‌کند با بررسی مقالات منتشرشده در مجلات معتبر داخلی و کشورهای توسعه‌یافته، مفاهیم مندرج در حوزه «خشونت و زنان» را در سه بازه زمانی در ایران (قبل از سال ۱۳۸۰، ۱۳۸۱-۱۳۸۹ و ۱۳۹۰-۱۳۹۷) و کشورهای توسعه‌یافته (قبل از سال ۲۰۰۰، ۲۰۰۱-۲۰۱۰ و ۲۰۱۰-۲۰۲۰) براساس تحلیل هم‌رخدادی واژگان شناسایی و روند مفاهیم موضوعی در این سه دوره زمانی را با همدیگر مقایسه کند. از اهداف دیگر پژوهش، مقایسه خوشه‌های علمی حوزه خشونت در ایران و کشورهای توسعه‌یافته براساس نمودار راهبردی است. به عبارتی، این پژوهش با ارائه روشی جدید، مفاهیم اصلی بیانگر این حوزه و ارتباط معنایی بین آن‌ها را مشخص می‌کند تا بتوان ضمن تحلیل حوزه به‌عنوان یک سند راهبردی در برنامه‌ریزی سیاست‌گذاری آینده‌نگری و آینده‌پژوهی به کار آید. از این‌رو، ممکن است این سؤال پیش آید که در حوزه خشونت، در ایران و کشورهای توسعه‌یافته چه مقولاتی جزء موضوعات داغ و هسته پژوهشی به شمار می‌آیند؟ روند موضوعی مفاهیم حوزه خشونت در ایران و کشورهای توسعه‌یافته در سه بازه زمانی براساس تحلیل هم‌رخدادی واژگان چگونه است؟ و اینکه وضعیت خوشه‌های خشونت در ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته براساس نمودار راهبردی چگونه است؟

برای وصول به این اهداف، پژوهش حاضر درصدد است به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

۱. وضعیت توزیع فراوانی حیطه‌های موضوعی برون‌دادهای علمی پژوهش‌گران حوزه خشونت، زنان و توصیف‌گرهای هسته در ایران قبل از ۱۳۸۰، سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ و کشورهای توسعه‌یافته در بازه‌های زمانی قبل از ۲۰۰۰، سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ و ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ چگونه است؟
۲. میزان تغییرات در زیر حوزه‌های موضوعی حوزه خشونت، زنان در مقاطع مختلف زمانی براساس شاخص دربردارندگی به چه صورت است؟
۳. وضعیت خوشه‌های پیشگیری از جرم براساس نمودار راهبردی چگونه است؟

پیشینه تجربی

بررسی پیشینه پژوهش در حوزه تولیدات علمی کشورها و نیز استفاده از روش تحلیل هم‌واژگانی حاکی از آن است که از دهه‌های ۱۹۶۰ که حوزه‌های کتاب‌سنجی و علم‌سنجی رواج پیدا کردند، حوزه‌های مختلف علمی با این رویکردها بررسی و ارزیابی شده‌اند؛ اما طی جست‌وجویی که در پایگاه‌های مختلف انجام شد، به نمونه‌هایی از پژوهش‌های مرتبط با حوزه

حقوق و زنان که با روش علم‌سنجی انجام شده است اشاره می‌شود. تحلیل محتوای موضوعی مقالات علمی پژوهشی حوزه زن و خانواده عنوان پژوهشی است که بختیاری و دیگران [۴] با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام داده‌اند. پژوهش با هدف بررسی کلیه متغیرهای موجود در متن مقالات اعم از گرایش و روند موضوعی مقالات، روند رشد مقالات براساس سال انتشار، فراوانی آن‌ها در فصل‌نامه‌ها، تعداد نویسندگان و جنس و سطح تحصیلات آن‌ها، مبانی نظری مقالات و کلیدواژه‌ها در بازه زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۰ صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی بیشترین تعداد مقاله در حوزه زن و خانواده را داشته و پس از آن، گروه علوم اجتماعی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. سال ۱۳۸۹ و ۱۳۸۸ میزان انتشار و چاپ مقاله بیش از سایر سال‌های بررسی شده بوده و دوفصل‌نامه پژوهش زنان و مطالعات زنان از بالاترین فراوانی تعداد مقاله برخوردار بوده‌اند. حدود ۵۸ درصد نویسندگان مقالات را مرد تشکیل داده که به ترتیب دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد بوده‌اند. در خصوص فراوانی حوزه‌های مبانی نظری ذکر شده در مقالات، حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی فراوانی بیشتری داشته‌اند. کلیدواژه‌های زن، جنس-جنسیت، خانواده-خانوار و زناشویی بیشترین میزان فراوانی و کلیدواژه‌های حقوق، اسلام، آسیب و عدالت کمترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. در پژوهشی دیگر، توکلی‌زاده راوری و همکاران [۵] به تحلیل محتوای مقالات فارسی نشریات علمی ایران در زمینه ازدواج و طلاق با روش خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی پرداختند. جامعه مورد پژوهش، تمام مقالات فارسی حوزه ازدواج و طلاق بوده که در نمایه استنادی علوم ایران نمایه‌سازی شده است. تحلیل محتوا روی کلیدواژه‌های نویسندگان مقالات صورت گرفته است. با استفاده از نرم‌افزار «راور ماتریس»، دو ماتریس متقارن هم‌خدادی برای اصطلاحات ایجاد و از طریق نرم‌افزار SPSS این اصطلاحات موضوعی خوشه‌بندی شده‌اند. تحلیل محتوای مقالات در حوزه ازدواج و طلاق نشان داد که موضوعات زن و خانواده در هر دو حوزه بیشترین بسامد را دارد. نتایج خوشه‌بندی نشان داد که غالب خوشه‌های ازدواج با موضوعات اجتماعی و روان‌شناختی مرتبط است؛ در حالی که در خوشه‌های طلاق، موضوعات روان‌شناختی و حقوقی نقش عمده‌ای دارد. این خوشه‌بندی‌ها نشان داد که محور اصلی خوشه‌های موضوعی ازدواج، موضوع زن و برای حوزه طلاق، موضوع خانواده است و زن موضوع محوری مباحث حقوقی طلاق به شمار می‌رود. همچنین نشان داده شد که ۰٫۶۷٪ از موضوعات طلاق شبیه موضوعات ازدواج و ۰٫۳۸٪ از موضوعات ازدواج شبیه به موضوعات طلاق است. نکته‌ای که در مقالات مورد مطالعه کمتر به آن توجه شده، مسائل جنسی است. به‌طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که موضوعات حوزه ازدواج کمتر به تعارض‌های زناشویی گرایش دارد. طباطبایی، کریمی و قاسم‌پور [۱۴] در پژوهشی تحلیل روابط بین‌رشته‌ای مطالعات جنسیت، زنان و خانواده با استفاده از ترسیم نقشه هم‌واژگان را بررسی کرده‌اند.

بررسی ۱۷ هزار و ۶۵۶ مقاله منتشر شده در بانک مقالات پایگاه مرکز تحقیقات زن و خانواده نشان می‌دهد که کلیدواژه‌های زن، رضایت زناشویی، خانواده، جنسیت و طلاق، ۵ کلیدواژه پرتکرار در تولید دانش در حوزه مطالعات زنان به شمار می‌آیند. بررسی برون‌داده‌های علمی در حوزه مطالعات زنان در قبل از دهه ۱۳۸۰ و دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ از تغییر اولویت‌های پژوهشی حکایت دارد. توزیع فراوانی کلیدواژه‌های تولیدات علمی حوزه جنسیت، زنان و خانواده براساس میزان هم‌واژگانی نشان می‌دهد که بیشترین تکرار واژه‌ها به ترتیب مربوط به اضطراب با افسردگی، خشونت علیه زنان با خشونت خانگی، زن با خانواده، خانواده با ازدواج، خشونت علیه زنان با خشونت خانگی علیه زنان است. رشد تولید دانش در حدود سه دهه گذشته منطبق بر تولید دانش خطی بوده است. درخصوص واژگان خوشه‌های استخراج شده از برون‌داده‌های علمی و ارتباط میان آن‌ها مشاهده شد که واژگان در ۱۰ خوشه قرار گرفتند. فرزندپروری، زناشویی، فمینیسم، جنسیت، زن، خانواده، طلاق، ازدواج، خشونت و سلامت ده خوشه اصلی به حساب می‌آیند. درنهایت اینکه، شبکه تولید دانش در حوزه زنان شبکه‌ای پیوسته است و این نشان می‌دهد حوزه مطالعات زنان به‌رغم جوان بودن توانسته است اهمیت پژوهشی لازم را به‌دست آورد، ولی وضعیت خوشه‌های تولیدشده در این شبکه و همچنین کلیدواژه‌های استفاده‌شده بیانگر خلأهای پژوهشی جدی و همچنین فقر نظری و فقدان ارتباط با تطور و تحول مفاهیم این حوزه است. درنهایت، باب الحوائجی و دیگران [۳] با هدف کشف نقشه مفهومی خانواده در ایران به مطالعه متون منتشرشده در موضوع مطالعات زنان طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۷ با روش کمی و کیفی پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که مفهوم خانواده با بیشترین اولویت موضوعی با ۳۳/۶۱ درصد از مجموع مفاهیم عینی و ضمنی، مفهوم هسته در موضوع مطالعات زنان را تشکیل می‌دهد. مفاهیم به‌دست‌آمده از روش دلفی شامل دو دسته‌بندی موضوعی تحکیم خانواده و آسیب‌شناسی خانواده، با داشتن بالاترین میزان پژوهش در منابع اطلاعاتی زنان، برای دستیابی به نقشه مفهومی برگزیده شدند. در دسته‌بندی تحکیم خانواده، مقوله قومیت، روحیه حمایت و اشتغال و در دسته‌بندی آسیب‌شناسی خانواده، مقوله اخلاق ناپسند، تعارض‌ها و رسانه‌ها، پربحث‌ترین مقولات شناخته شدند. کریمی و دیگران [۱۵] با تکنیک هم‌رخداد واژگانی روند پژوهش آثار منتشرشده در موضوع قرآن و اهل بیت(ع) را در موضوعات جنسیت، زنان و خانواده بررسی کردند. نتایج آن‌ها نشان دارد پژوهش‌های این حوزه با رویکرد نظری و کتابخانه‌ای در موضوعات الگوی زن اسلامی، حقوق زن از دیدگاه قرآن و روایات و پاسخ به شبهات در مورد همسران پیامبر موفق عمل کرده است. اما درخصوص ازدواج و معیارهای همسر مناسب از دیدگاه قرآن و اهل بیت حتی با رویکرد نظری و کتابخانه‌ای به جایگاه مناسبی نرسیده است. خوشبختانه در دهه ۱۳۹۰، مسائل و مشکلات زنان و خانواده با توجه به قرآن و روایات با رویکرد مطالعه کیفی

(عمدتاً ابزار این روش مصاحبه است) به صورت عملیاتی مسائل زنان را مورد کنکاش قرار داده‌اند که البته هنوز در آغاز راه است.

با بررسی پیشینه‌ها می‌توان گفت رویکرد اکثر پژوهش‌های علم‌سنجی به پژوهش‌های زنان، جنسیت و خانواده در ایران و جهان به صورت کلی است. براساس این پژوهش‌ها در این حوزه، نتایج ذیل حاصل شده است: ۱. شناسایی واژگان هسته، ۲. روند موضوعی مفاهیم، ۳. گرایش موضوعی مقالات. اما، به‌طور ویژه، مطالعه علم‌سنجی در خصوص مسئله خشونت در این حوزه انجام نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر می‌تواند با ارائه گزارشی از وضعیت علمی حوزه خشونت و زنان، ضمن شناسایی کشف پتانسیل لازم در کارهای پژوهشی به منظور الگوبرداری و استفاده از آن در حمایت هرچه بیشتر از این مقوله و در نهایت حرکت در مسیر دفاع از حقوق زنان انجام گیرد. همچنین ارزشیابی کمی برون‌دادهای علمی این حوزه پژوهشی با گام برداشتن در راستای پاسخ‌گویی به بخشی از فرضیات مطرح‌شده در مقدمه این مقاله، مسئولان برنامه‌ریزی را یاری می‌کند تا بتوانند با کمترین هزینه، بیشترین استفاده را از منابع مالی و انسانی ببرند و در بهینه‌سازی ساختار حقوقی و اجتماعی کشور در این حوزه پژوهشی مؤثر واقع شوند. در نهایت، انجام‌دادن این پژوهش می‌تواند پژوهش‌گران حوزه جنسیت، زنان و خانواده را به تلاش هرچه بیشتر در این حوزه و بهبود هرچه بیشتر شرایط زنان در خانواده و جامعه یاری رساند.

چارچوب مفهومی

تاریخ جنبش زنان با مسئله خانواده و خشونت درهم آمیخته است. از آنجا که خانه و خانواده مهم‌ترین عرصه حضور زنان بوده است، مسائل و نیازهای زنان نیز در ارتباط با خانه و خانواده متولد شده‌اند. خانه و خانواده مهم‌ترین مکان بازتولید جنسیت و مناسبات تعیین‌کننده آن در روابط میان زن و مرد و مکان‌یابی ارزشی آن‌هاست. بر این اساس، خانه و خانواده حوزه تعیین‌کننده‌ای است که چنانچه تنظیمات آن تغییر کند، روابط زنان و مردان به نحو اساسی تغییر خواهد کرد.

از مسائل و مشکلات آشکار زنان با مردان، که در زمان دورتر از زمان حاضر به دلیل کم‌رنگ بودن حضور زنان در عرصه عمومی به عرصه خصوصی محدود بود، خشونت است. مردان به دلیل قرارداداشتن در رأس سلسله‌مراتب جنسی و تجویزات مربوط به آن (جنسیت) که ارزشمندی فردی و اجتماعی خاصی به آنان می‌بخشید و همچنین به جهت دسترسی به منابع اقتصادی که سبب قدرتمند شدن آنان می‌شد، اجازه و امکان اعمال خشونت بر زنان را فراهم می‌دیدند. تمرد از خواست و فرمان مرد و همچنین مجوزهای فرهنگی در غیرارزشمند بودن زنان یا نقصان اندیشه و قدرت تعقل، که تأدیب و هدایت زنان را برای مردان مجاز می‌دانست،

در کنار یکدیگر مجموعه پیچیده‌ای از روابط را ایجاد می‌کرد که در شمول جهانی زنان را تحت سلطه و خشونت مردان قرار می‌داد [۱۱].

تغییر و تحول وضعیت زنان و به‌عنوان یکی از اولین درخواست‌هایی که تغییر آن زنان را به وضعیت زندگی ارزشمند می‌رساند، رهایی از خشونت مردانی بود که از نزدیکان عاطفی آنان محسوب می‌شدند؛ پدران، برادران و همسران. به این دلیل بود که اولین حوزه‌های بررسی خشونت به خشونت خانگی و اولین خشونت‌ورزان مردان، به‌ویژه همسران، شناخته شدند. مطالعه خشونت خانگی به تدریج ابعاد پنهان و گسترده خشونت علیه زنان را آشکار کرد و به مباحث بنیادی‌تری چون محرومیت اقتصادی زنان، کم‌قدرتی و وابستگی آنان به مردان، تجویزات فرهنگی و در برخی موارد ریشه‌های دینی و آیینی خشونت خانگی انجامید.

بررسی ابعادی که خشونت را ممکن و ادامه‌دار می‌کرد، به تدریج و در پی بررسی‌های پژوهشی بیشتر دامنه بروز خشونت را از صرف خشونت فیزیکی و آسیب جسمی به سمت خشونت‌های کمتر عینی و دارای شواهد آشکار چون خشونت‌های اقتصادی، خشونت‌های کلامی، خشونت روانی و خشونت جنسی برد. نام‌گذاری ابعاد خشونت سبب حساس‌شدن جامعه علمی به سمت مطالعه انواع خشونت و ایجاد حوزه تخصصی جهت بررسی و ارائه راهکار شد [۹].

در این میان، آنچه باقی ماند دو عنصر اصلی خشونت، زن به‌عنوان قربانی و مرد به‌عنوان عامل خشونت‌ورز و خانه و خانواده به‌منزله اصلی‌ترین و اولین مکان تجربه یک یا چند نوع خشونت است. این امر در کنار ارائه آمار جدی‌ترین خشونت خانگی علیه زنان (قتل خانگی)^۱ همچنان خشونت را به‌عنوان مهم‌ترین تهدید حقوق زنان و خانه و خانواده را به‌عنوان حوزه خطر معرفی می‌کند؛ مسئله‌ای که در زمان حاضر و در قدرت یافتن و استقلال (نسبی) اقتصادی زنان و اعلام مجرمانه‌بودن خشونت علیه زنان از جانب مردان، محل پرسش و پژوهش جدی در چرایی آن است.

۱. مطابق گزارش دویچه وله از گزارش سازمان ملل، از تقریباً ۸۷ هزار زنی که در سال ۲۰۱۷ به‌عمد و غیرعمد به قتل رسیده‌اند، ۵۰ درصد به دست شریک زندگی یا یکی از اعضای خانواده کشته شده‌اند. در این گزارش، آمده است: «بسیاری از مقتولان توسط شریک کنونی یا پیشین زندگی یا پدر، برادر، مادر، خواهر یا دیگر اعضای خانواده بر پایه جایگاهشان در خانواده و نسبتشان با مقتول به قتل رسیده‌اند.»

<https://www.dw.com/fa-ir/global-study-on-homicide-2019/a-49510593>

در ایران هیچ آماری در زمینه قتل همسر و قتل در خانه وجود ندارد. همچنین بر اساس اعلام سازمان پزشکی قانونی، هیچ آمار تفکیکی از مرگ زنان به دست همسرانشان به دلیل نزاع‌های خانوادگی در دست نیست. اگرچه آماری از زنانی که به دست همسرانشان بر اثر نزاع یا خشونت‌های خانگی جان خود را از دست می‌دهند وجود ندارد، احمد شجاعی، رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور، پیش‌تر با اعلام افزایش ۵/۸ درصدی مراجعات نزاع همسرآزاری در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۵ گفته بود که ۹۰ درصد مدعیان همسرآزاری را زنان و ۱۰ درصد باقی‌مانده را مردان تشکیل می‌دهند.

<https://etemadonline.com/content/250654>

روش‌شناسی

روش پژوهش، تحلیل هم‌رخدادی واژگان و شبکه‌های اجتماعی و از نوع کاربردی است. جامعه پژوهش، تعداد ۳ هزار و ۲۴۶ تولیدات علمی کشورهای پیشرفته از قبیل کشورهای امریکای شمالی، اروپای غربی، آفریقای جنوبی و استرالیا در حوزه خشونت و زنان در پایگاه وب او نولج و تعداد هزار و ۲۹۵ مقالات فارسی منتشرشده در کشور ایران در این زمینه موضوعی در پایگاه ایرانی مرکز تحقیقات زن و خانواده است. جست‌وجو و بازیابی مدارک مربوط به حوزه خشونت و زنان در پایگاه وب آو ساینس در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۸ صورت گرفته و از فرمول زیر استفاده شده است:

$$SU = (\text{wom} * \text{AND Violence}) \text{ AND } CU = 0$$

فرمول یادشده همراه با اسامی کشورهای امریکای شمالی، اروپای غربی، آفریقای جنوبی و استرالیا به‌طور جداگانه با عملگر (AND) ترکیب و مورد جست‌وجو قرار گرفت. یافته‌های خروجی با فرمت تب-دیلیمیتد و پلین تکس در قالب فایل‌های متنی ذخیره شد که این رکوردها در انواع قالب‌ها مانند مقاله، چکیده نشست‌ها، نقد و بررسی کتاب و... بوده است. داده‌های ذخیره‌شده به صورت فایل متنی به نرم‌افزار اکسل منتقل و تجمیع شد. در این نرم‌افزار، داده‌های مربوط به فیلد کلیدواژه‌های نویسندگان، که در ستون DE آمده، استخراج شد. پس از جمع‌آوری داده‌های موردنیاز، با توجه به حجم زیاد کلیدواژه‌ها و مشکلات زبان کنترل‌نشده، کنترل و یکدست‌سازی کلیدواژه‌ها انجام گرفت.

برای تجزیه و تحلیل و آماده‌سازی داده‌ها و همچنین ترسیم نقشه هر خوشه، از نرم‌افزارهای نت دراو و یوسی نت و همچنین تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی، نمودار دوبعدی و نقشه چندبعدی استفاده شده است. برای تهیه ماتریس متقارن از نرم‌افزار بایب اکسل استفاده شده است. جامعه پژوهش مقالات منتشرشده در کشور ایران، تعداد هزار و ۲۹۵ مقاله فارسی است که در این زمینه موضوعی در پایگاه ایرانی مرکز تحقیقات زن و خانواده نمایه شده‌اند که در کلیدواژه‌ها یا در عنوان آن‌ها، واژگان خشونت، زن یا زنان و همسرآزاری آمده باشد. حاصل کار، هزار و ۴۹۰ کلیدواژه بود که ۳۴ کلیدواژه به دوره قبل از سال ۱۳۸۰، ۴۷۰ کلیدواژه به دوره ۱۳۸۱-۱۳۸۹ و ۹۸۷ کلیدواژه به دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۷ مربوط بودند. سپس، ماتریس مربوط با استفاده از نرم‌افزار پرمپ استخراج شد. برای تهیه ماتریس کلیدواژه‌هایی انتخاب شدند که دست‌کم فراوانی ۷ داشتند و درنهایت ماتریس مربعی تشکیل شد. ردیف و ستون‌های این ماتریس‌های مربعی شامل کلیدواژه‌های پرتکرار بودند. سلول‌های مورب ماتریس‌ها صفر در نظر گرفته شد. سپس، این ماتریس‌های معمولی به ماتریس همبستگی تبدیل شدند. از نرم‌افزار ووس ویور برای ترسیم نقشه کلی استفاده شده است. جهت ترسیم نمودار راهبردی، ابتدا بر پایه خوشه‌بندی، خوشه‌های هر دوره به تفکیک شناسایی شد. سپس، براساس کلیدواژه‌های موجود در هر خوشه، برای هر یک از خوشه‌ها به‌طور مجزا ماتریس هم‌رخدادی طراحی شد.

در نهایت، پس از فراخوانی یکی یکی این ماتریس‌ها در نرم‌افزار یوسی نت، نمره مرکزیت و تراکم آن‌ها محاسبه و نمودار راهبردی ترسیم شد. برای تشخیص میزان شباهت میان سه دوره پژوهش از شاخص دربردارندگی (شمول) استفاده شد. برای محاسبه این شاخص، ابتدا میزان اشتراک میان دو گروه با استفاده از نرم‌افزار اکسل محاسبه شد.

بدین ترتیب، اعضای دو گروه که با دورنگ مجزا نمایش داده شده‌اند در یک ستون از نرم‌افزار اکسل به دنبال هم می‌آیند و بعد از مرتب‌شدن موضوعات مشترک با نظم الفبایی، این موضوعات استخراج می‌شوند. بعد از تعیین میزان اشتراک دو گروه، شاخص دربردارندگی میان آن‌ها محاسبه می‌شود. بنا به گفته چین در سال ۲۰۰۰، شاخص دربردارندگی نشان می‌دهد که چه میزان از کلیدواژه‌های یک گروه در گروه دیگر به کار رفته است و به‌طور کلی، میزان شباهت هر گروه به گروه دیگر تعیین می‌شود. برای محاسبه این شاخص، میزان اشتراک میان گروه‌ها با استفاده از نرم‌افزار اکسل محاسبه شد.

فرمول شاخص دربردارندگی:

$$\text{BInc} = \frac{\text{تعداد واژگان مشترک دو دوره}}{\text{تعداد واژگان دوره B}} \times 100 = \text{دوره A نسبت به دوره B}$$

برای مشخص کردن موضوعات نوظهور نیز، برخلاف روش یادشده، تعداد موضوعات متفاوت سه دوره (قبل از سال ۱۳۸۰، ۱۳۸۱-۱۳۸۹ و ۱۳۹۰-۱۳۹۷) بررسی شد. بدین ترتیب، همانند تعیین موضوعات هسته، سه دوره با رنگ‌های متفاوت به صورت دوه‌دو در فایل اکسل الفبایی و تعداد موضوعات غیرمشابه هر دوره تعیین شد.

یافته‌ها

در این بخش، وضعیت توزیع فراوانی حیطه‌های موضوعی برون‌دادهای علمی پژوهش‌گران در حوزه خشونت و توصیف‌گرهای هسته در بازه‌های زمانی قبل از ۱۳۸۰ (قبل از ۲۰۰۰)، دهه ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ (۲۰۰۱-۲۰۱۰) و ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ (۲۰۱۱-۲۰۲۰) مشخص شده است.

برای تعیین زمینه‌های موضوعی مطرح و توصیف‌گرهای پرکاربرد در حوزه خشونت و زنان، از قانون توزیع پراکندگی برادفورد استفاده شد. به این صورت که فراوانی کلیدواژه‌ها در مدارک در هر سه دوره محاسبه شد. اعمال قانون برادفورد درخصوص فراوانی کلیدواژه‌ها قبل از سال ۱۳۸۰ نشان داد در دوره اول، یعنی قبل از سال ۱۳۸۰، تعداد موضوعات هسته ۴، نزدیک به هسته ۱۷ و دور از هسته ۳۴ بود. در کشورهای توسعه‌یافته در این دوره زمانی (قبل از سال ۲۰۰۰) تعداد موضوعات هسته ۱۴، نزدیک به هسته ۸۰ و دور از هسته ۱۵۷ بود.

جدول ۱. فراوانی کلیدواژه‌های هسته حوزه خشونت و زنان قبل از سال ۱۳۸۰ ایران و ۲۰۰۰ کشورهای توسعه یافته

رتبه	کلیدواژه	تعداد	رتبه	کلیدواژه	تعداد	رتبه	کلیدواژه	تعداد
۱	خشونت خانگی	۶	۳	abuse	۷	۱۷	domestic violence	۱
۲	خشونت	۴	۳	assault	۸	۱۳	violence	۲
۳	خشونت خانگی علیه زنان	۳	۳	battered women	۹	۷	spouse abuse	۳
۴	خشونت علیه زنان	۳	۳	family	۱۰	۷	women	۴
۵			۳	rape	۱۱	۶	child abuse	۵
۶			۳	sexual abuse	۱۲	۶	family violence	۶

طبق جدول ۱، در پژوهش‌های قبل از ۱۳۸۰ در داخل و کشورهای توسعه یافته خشونت خانگی و خشونت رتبه‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند. فعالیت مشابهی روی کلیدواژه‌های تولیدات علمی حوزه خشونت و زنان در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۸۹ انجام شد.

اعمال قاعده برادفورد بر کلیدواژه‌های دوره دوم نشان داد که در داخل ایران در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۸۹، تعداد مفاهیم هسته ۱۴، نزدیک به هسته ۱۷۶ و دور از هسته ۴۷۰ بود. در کشورهای توسعه یافته، در این دوره زمانی (۲۰۰۱-۲۰۱۰) تعداد موضوعات هسته ۳۰، نزدیک به هسته ۴۴۰ و دور از هسته ۱۶۵۲ کلیدواژه بود.

جدول ۲. فراوانی کلیدواژه‌های هسته حوزه خشونت و زنان سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۹ ایران و ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ کشورهای توسعه یافته

رتبه	کلیدواژه	تعداد	رتبه	کلیدواژه	تعداد	رتبه	کلیدواژه	تعداد
۱	خشونت خانگی	۸۰	۱	DOMESTIC VIOLENCE	۱۶	۱۸	GENDER-BASED VIOLENCE	۲۰۹
۲	خشونت	۵۱	۲	INTIMATE PARTNER VIOLENCE	۱۷	۱۷	AGGRESSION	۱۸۰
۳	خشونت علیه زنان	۳۸	۳	VIOLENCE	۱۸	۱۷	BATTERED WOMEN	۱۴۲
۴	همسرآزاری	۲۹	۴	WOMEN	۱۹	۱۷	DATING VIOLENCE	۱۰۰
۵	زن	۲۸	۵	GENDER	۲۰	۱۷	GENDER VIOLENCE	۷۹
۶	خشونت جنسی	۱۷	۶	FAMILY VIOLENCE	۲۱	۱۶	PREVALENCE	۵۴

رتبه	کلیدواژه	تعداد	رتبه	کلیدواژه	تعداد	رتبه	کلیدواژه	تعداد
۷	خشونت خانگی علیه زنان	۱۴	۷	VIOLENCE AGAINST WOMEN	۴۱	۲۲	HEALTH	۱۵
۸	کودک‌آزاری	۹	۸	CHILD ABUSE	۲۷	۲۳	SCREENING	۱۵
۹	خشونت زناشویی	۷	۹	SPOUSE ABUSE	۲۶	۲۴	SEXUAL ASSAULT	۱۵
۱۰	بارداری	۶	۱۰	DEPRESSION	۲۵	۲۵	INTIMATE PARTNER	۱۴
۱۱	پزشکی قانونی	۶	۱۱	ABUSE	۲۳	۲۶	HIV	۱۳
۱۲	خانواده	۶	۱۲	WOMEN'S HEALTH	۲۳	۲۷	ALCOHOL	۱۲
۱۳	خشونت روان‌شناختی	۶	۱۳	PARTNER VIOLENCE	۲۲	۲۸	POSTTRAUMATIC STRESS DISORDER	۱۲
۱۴	خشونت فیزیکی	۶	۱۴	PREGNANCY	۲۲	۲۹	PREVENTION	۱۲
			۱۵	MENTAL HEALTH	۲۰	۳۰	SUBSTANCE USE	۱۲

طبق جدول ۲، در پژوهش‌های دهه ۱۳۸۰ در داخل کلیدواژه‌های خشونت خانگی، خشونت و خشونت علیه زنان و کشورهای توسعه‌یافته خشونت خانگی و خشونت علیه شریک زندگی و خشونت رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین تحلیل روی کلیدواژه‌های تولیدات علمی حوزه خشونت و زنان در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۹ انجام شد.

اعمال قاعده برادفورد بر کلیدواژه‌های دوره سوم نشان داد که در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۷، تعداد مفاهیم هسته ۲۲، نزدیک به هسته ۲۴۵ و دور از هسته ۹۸۷ بود. در کشورهای توسعه‌یافته در این دوره زمانی (۲۰۱۰-۲۰۲۰) تعداد موضوعات هسته ۵۶، نزدیک به هسته ۸۸۷ و دور از هسته ۵۶۰۹ کلیدواژه بود.

جدول ۳. فراوانی کلیدواژه‌های هسته حوزه خشونت و زنان سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۹ ایران

رتبه	کلیدواژه	تعداد	رتبه	کلیدواژه	تعداد	رتبه	کلیدواژه	تعداد
۱	خشونت خانگی	۱۶۵	۸	عوامل خشونت علیه زنان	۲۸	۱۴	بارداری	۱۴
۲	خشونت خانگی علیه زنان	۱۰۶	۹	خشونت روان‌شناختی	۲۰	۱۴	خشونت با زنان	۱۴
۳	خشونت علیه زنان	۹۳	۱۰	خشونت فیزیکی	۱۸	۱۴	زنان متأهل	۱۴
۴	خشونت شوهر	۵۳	۱۱	زن	۱۸	۱۴	عوامل اجتماعی	۱۴
۵	خشونت	۴۷	۱۲	خشونت جنسی	۱۷	۱۳	دوران بارداری	۱۳
۶	همسرآزاری	۴۷	۱۳	زنان قربانی خشونت	۱۶	۱۲	تجربه خشونت	۱۲
۷	عوامل مؤثر بر خشونت خانگی	۳۳	۱۴	بارداری	۱۴	۱۲	خشونت جنسی	۱۲

جدول ۴ کلیدواژه‌های هسته کشورهای توسعه‌یافته حوزه خشونت و زنان بین ۲۰۱۱-۲۰۲۰ را نشان می‌دهد.

جدول ۴. فراوانی کلیدواژه‌های هسته کشورهای توسعه‌یافته حوزه خشونت و زنان بین سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۰

رتبه	کلیدواژه	تعداد	رتبه	کلیدواژه	تعداد	رتبه	کلیدواژه	تعداد	رتبه	کلیدواژه	تعداد
۱	INTIMATE PARTNER VIOLENCE	۸۹۸	۱۵	DATING VIOLENCE	۶۵	۲۹	PTSD	۴۶	۴۳	RAPE	۳۲
۲	DOMESTIC VIOLENCE	۵۵۶	۱۶	ABUSE	۶۳	۳۰	INDIA	۴۴	۴۴	SOUTH AFRICA	۳۲
۳	VIOLENCE	۴۷۴	۱۷	INTIMATE PARTNER	۶۲	۳۱	CHILD ABUSE	۴۱	۴۵	ATTITUDES	۳۱
۴	GENDER	۳۰۶	۱۸	GENDER VIOLENCE	۵۸	۳۲	INTERSECTIONALITY	۳۹	۴۶	HELP-SEEKING	۳۱
۵	WOMEN	۲۸۶	۱۹	PREVENTION	۵۶	۳۳	SUBSTANCE USE	۳۹	۴۷	INTIMATE	۳۱

رتبه	کلیدواژه	تعداد	رتبه	کلیدواژه	تعداد	رتبه	کلیدواژه	تعداد	رتبه	کلیدواژه	تعداد
۶	GENDER-BASED VIOLENCE	۲۰۱	۲۰	SEXUAL ASSAULT	۵۳	۳۴	CULTURAL CONTEXTS	۲۸	۴۸	۳۰	
۷	VIOLENCE AGAINST WOMEN	۱۹۴	۲۱	INTERVENTION	۵۲	۳۵	PARENTING	۳۷	۴۹	۳۰	
۸	SEXUAL VIOLENCE	۱۵۱	۲۲	WOMEN'S HEALTH	۵۲	۳۶	PHYSICAL VIOLENCE SOCIAL SUPPORT	۳۶	۵۰	۳۰	
۹	FAMILY VIOLENCE	۱۴۰	۲۳	FAMILY	۵۱	۳۷	PREVALENCE	۳۶	۵۱	۳۰	
۱۰	HIV	۹۸	۲۴	INTERPERSONAL VIOLENCE	۵۱	۳۸	CHILD MALTREATMENT	۳۵	۵۲	۲۹	
۱۱	MENTAL HEALTH	۹۶	۲۵	TRAUMA	۵۰	۳۹	RISK FACTORS QUALITATIVE RESEARCH	۳۵	۵۳	۲۹	
۱۲	DEPRESSION	۸۸	۲۶	ADOLESCENTS	۴۹	۴۰	AFRICA	۳۴	۵۴	۲۸	
۱۳	PREGNANCY	۷۴	۲۷	HEALTH	۴۹	۴۱	CONFLICT	۳۴	۵۵	۲۸	
۱۴	PARTNER VIOLENCE	۷۱	۲۸	VICTIMIZATION	۴۹	۴۲	DOMESTIC	۳۲	۵۶	۲۸	

طبق جدول ۳ و ۴، در پژوهش‌های دهه ۱۳۹۰ در داخل، کلیدواژه‌های خشونت خانگی، خشونت و خشونت خانگی علیه زنان و کشورهای توسعه‌یافته خشونت شریک زندگی، خشونت خانگی و خشونت رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند. بخش دیگر پژوهش به میزان تغییرات در حوزه موضوعی خشونت و زنان در مقاطع مختلف زمانی براساس شاخص دربردارندگی پرداخته است.

برای تعیین میزان تغییرات کلیدواژه‌های هسته در ذیل حوزه‌های موضوعی «خشونت و زنان» در مقاطع مختلف زمانی از شاخص دربردارندگی استفاده شد. تعداد کلیدواژه‌های هسته داخل ایران دوره اول (قبل از ۱۳۸۰)، ۴ کلیدواژه، دهه ۱۳۸۰، ۱۴ کلیدواژه و دهه ۱۳۹۰، ۲۲ کلیدواژه بود. تعداد کلیدواژه‌های هسته کشورهای توسعه‌یافته دوره اول قبل از

سال (۲۰۰۰) ۱۲ کلیدواژه، سال‌های (۲۰۰۱-۲۰۱۰)، ۳۰ کلیدواژه و سال‌های (۲۰۱۱-۲۰۲۰) ۵۶ کلیدواژه بود.

فرمول ذیل میزان تشابه موضوعات دوره دوم را نسبت به دوره اول نشان می‌دهد:

$$2 \text{ to } 1 = \frac{4}{14} = 28/5$$

$$2 \text{ to } 1 = \frac{12}{30} = 40$$

همان‌گونه که از محاسبه شاخص دربردارندگی پیداست، در داخل ایران ۲۸٫۵ درصد موضوعات دوره اول در دوره دوم نیز حضور داشته‌اند و در طرف دیگر، حدود ۷۲٫۵ درصد از موضوعات دوره دوم موضوعات متفاوتی هستند. در کشورهای توسعه‌یافته، ۴۰ درصد موضوعات دوره اول در دوره دوم نیز حضور داشته‌اند و در طرف دیگر، حدود ۶۰ درصد از موضوعات دوره دوم موضوعات متفاوتی هستند. این مطلب نشان می‌دهد که پژوهش‌گران ایرانی نسبت به کشورهای توسعه‌یافته از موضوعات جدید بیشتری استفاده کرده‌اند.

فرمول ذیل میزان تشابه موضوعات دوره سوم را نسبت به دوره دوم نشان می‌دهد:

$$3 \text{ to } 2 = \frac{14}{22} = 63/6$$

$$3 \text{ to } 2 = \frac{30}{56} = 53/5$$

همان‌گونه که از محاسبه شاخص دربردارندگی پیداست، در داخل ایران ۶۳٫۶ درصد موضوعات دوره دوم در دوره سوم نیز حضور داشته‌اند و در طرف دیگر، ۳۶٫۴ درصد از موضوعات دوره سوم، موضوعات متفاوتی هستند. در کشورهای توسعه‌یافته، ۵۳٫۵ درصد موضوعات دوره دوم در دوره سوم نیز حضور داشته‌اند و در طرف دیگر، ۴۶٫۵ درصد از موضوعات دوره سوم موضوعات متفاوتی هستند. این مطلب نشان می‌دهد که پژوهش‌گران کشورهای توسعه‌یافته در دوره سوم نسبت به ایران بیشتر از کلیدواژه‌های جدید استفاده کرده‌اند.

در این بخش، به ساختار حوزه خشونت و زنان در ایران و کشورهای توسعه‌یافته با استفاده از نمودار راهبردی پرداخته شده و روند موضوعی مفاهیم در این حوزه را مشخص کرده است. در این پژوهش، ساختار «خشونت و زنان» با استفاده از نمودار راهبردی نیز ترسیم شد. پس از تشکیل ماتریس برای هر یک از خوشه‌ها و فراخوانی آن در نرم‌افزار یوسی نت، نمره مرکزیت و تراکم خوشه‌ها مشخص شد و نمودار راهبردی دوره‌ها با استفاده از این نمره‌ها ترسیم شد.

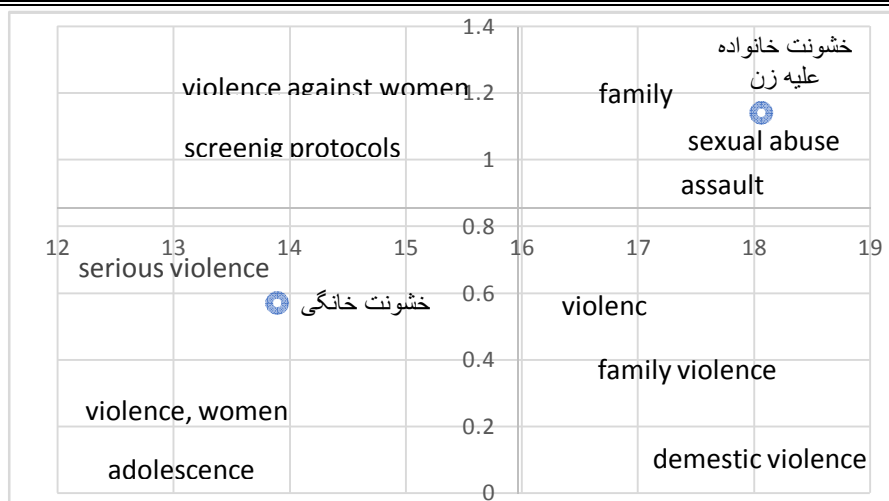
نمودار راهبردی خوشه‌های خشونت در تحقیقات زنان و خانواده در برهه زمانی قبل از دهه ۱۳۸۰ در جدول ۵ و شکل ۲ آورده شده است.

دوره قبل از ۱۳۸۰، خوشه خشونت خانواده علیه زن در داخل ایران با مقدار ۰/۱۸ بیشترین

مرکزیت و با مقدار ۱/۱۴۳ بالاترین تراکم را دارد. در کشورهای توسعه یافته، خشونت علیه زن با مقدار ۰/۲۳۳ و ۰/۲۸۷ دارای بیشترین مرکزیت و تراکم است. این بدان معناست که خوشه خشونت خانواده علیه زن و خشونت علیه زن، که دربردارنده پرتکرارترین کلیدواژه‌هاست، از نظر نفوذ و ارتباط با سایر موضوعات و پیوندهای در میان سایر کلیدواژه‌ها بیشترین مرکزیت را دارد. در شکل ۵، محور افقی نشان‌دهنده مرکزیت (میزان همبستگی خوشه‌ها) و محور عمودی نشان‌دهنده تراکم (میزان توان ارتباط درونی هر خوشه) است.

جدول ۵. تراکم و مرکزیت خوشه‌های به دست آمده از تحلیل هم‌واژگانی قبل از سال ۱۳۸۰ ایران و ۲۰۰۰ کشورهای توسعه یافته

کشورهای توسعه یافته			کشورهای توسعه یافته			داخل کشور		
تراکم	مرکزیت	خوشه	تراکم	مرکزیت	خوشه	تراکم	مرکزیت	خوشه
۰/۱۲۲	۰/۱۳۷	serious violence	۰/۳۳۳	۰/۱۶۳	center	۱/۱۴۳	۰/۱۸	خشونت خانواده علیه زن
۰/۶۱۴	۰/۰۳۹	domestic violence	۰/۳۷۸	۰/۱۰۴	violence	۰/۵۷۱	۰/۱۳۸	خشونت خانگی
۰/۵۲۱	۰/۱۶۷	assault	۰/۲۴۰	۰/۲۱۱	screening protocols	۰/۸۵۷	۰/۱۵۹	میانگین
۰/۱۲۳	۰/۰۶۰	violence, women	۰/۱۲۲	۰/۰۱۷	adolescence			
۰/۴۳۰	۰/۰۸۰	family violence	۰/۳۳۳	۰/۲۷۶	women's			
۰/۲۸۷	۰/۲۳۳	violence against women	۰/۱۲۲	۰/۱۳۷	rape victims			
۰/۵۶۶	۰/۱۸۹	sexual abuse	۰/۴۷۳	۰/۲۵۳	family			
۰/۳۳		میانگین تراکم	۰/۱۴۸		میانگین مرکزیت			



شکل ۲. نمودار راهبردی حوزه خشونت و زنان قبل از سال ۱۳۸۰ ایران و ۲۰۰۰ کشورهای توسعه یافته

مطابق جدول ۵ و شکل ۲، با توجه به نمودار راهبردی دوره اول، در کشورهای توسعه یافته قبل از دهه ۱۹۸۰، ۱۴ خوشه شکل گرفته است و در پژوهش‌های داخل ایران در این برهه زمانی دو خوشه تشکیل شده است. در کشورهای توسعه یافته خوشه‌های خانواده، سوءاستفاده جنسی و تجاوز و در داخل ایران خوشه (خشونت خانواده علیه زن) موضوعات اصلی این بازه زمانی است که در ناحیه بالغ و مرکزی قرار گرفته است. در کشورهای توسعه یافته، خشونت علیه زنان و پروتکل‌های غربالگری در ناحیه توسعه یافته و مجزا قرار دارند و خشونت، خشونت خانگی و خشونت خانوادگی خوشه مرکزی اما توسعه نیافته است. در پایین‌ترین رتبه و خوشه‌های نوظهور یا زوال‌پذیر در کشورهای توسعه یافته خشونت جدی^۱، خشونت، زنان و نوجوانی قرار دارد و در ایران خوشه خشونت خانگی در این مرحله قرار دارد.

نمودار راهبردی خوشه‌های خشونت در تحقیقات زنان و خانواده در برهه زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۹ ایران و ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ کشورهای توسعه یافته در جدول ۶ و شکل ۳ آورده شده است.

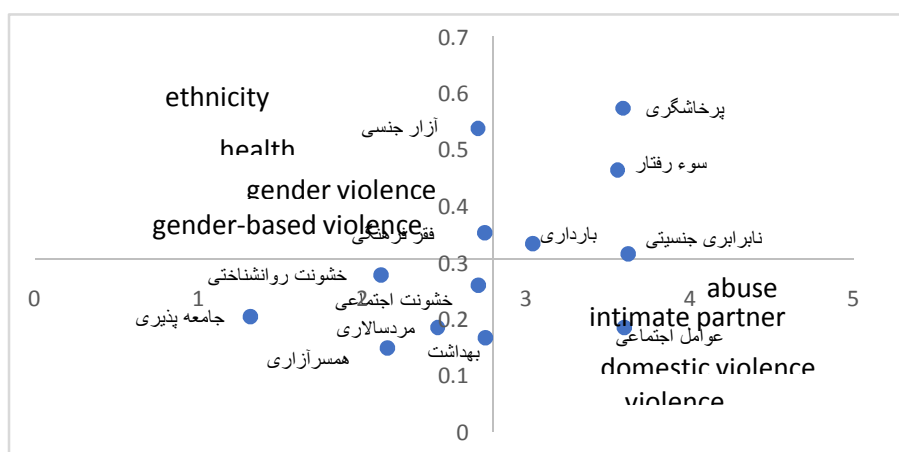
۱. خوشه‌های به زبان فارسی مربوط به پژوهش‌های داخل ایران و خوشه‌های به زبان انگلیسی مربوط به پژوهش‌های کشورهای توسعه یافته است.

2. serious violence

جدول ۶. تراکم و مرکزیت خوشه‌های به‌دست آمده از تحلیل هم‌واژگانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۹ ایران و ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ کشورهای توسعه‌یافته

کشورهای توسعه‌یافته		داخل ایران	
خوشه	مرکزیت	تراکم	مرکزیت
center	۰٫۱۶۳	۰٫۳۳۳	۰٫۲۷۰۳
abuse	۰٫۱۲۷	۰٫۳۷۳	۰٫۳۵۹۳
violence	۰٫۰۱۶	۰٫۶۱۱	۰٫۱۳۱۹
intimate partner violence	۰٫۰۹۲	۰٫۴۵۲	۰٫۳۵۵۵
ethnicity	۰٫۲۷۶	۰٫۰۵۳	۰٫۳۰۴
gender-based violence	۰٫۱۶۴	۰٫۲۹۳	۰٫۳۵۹۹
gender violence	۰٫۲۰۱	۰٫۲۱۲	۰٫۲۷۰۸
domestic violence	۰٫۰۵۵	۰٫۵۳۲	۰٫۲۷۵۱
میانگین	۰٫۱۳۷	۰٫۳۵۷	۰٫۲۱۱۴
		۰٫۳۵۲	۰٫۲۷۴۷
		۰٫۳۱۵	۰٫۳۶۲۵
		۰٫۱۸۵	۰٫۲۴۵۷
		۰٫۱۴۸	۰٫۲۱۵۴
		۰٫۳۰۷	۰٫۲۷۹۷

طبق جدول ۶، مهم‌ترین خوشه‌ها از لحاظ پرتکرارترین کلیدواژه‌ها و نفوذ و ارتباط با سایر موضوعات در داخل ایران خوشه نابرابری جنسیتی و در کشورهای توسعه‌یافته خوشه قومی است.



شکل ۳. نمودار راهبری حوزه خشونت و زنان سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۹ ایران و ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ کشورهای توسعه‌یافته

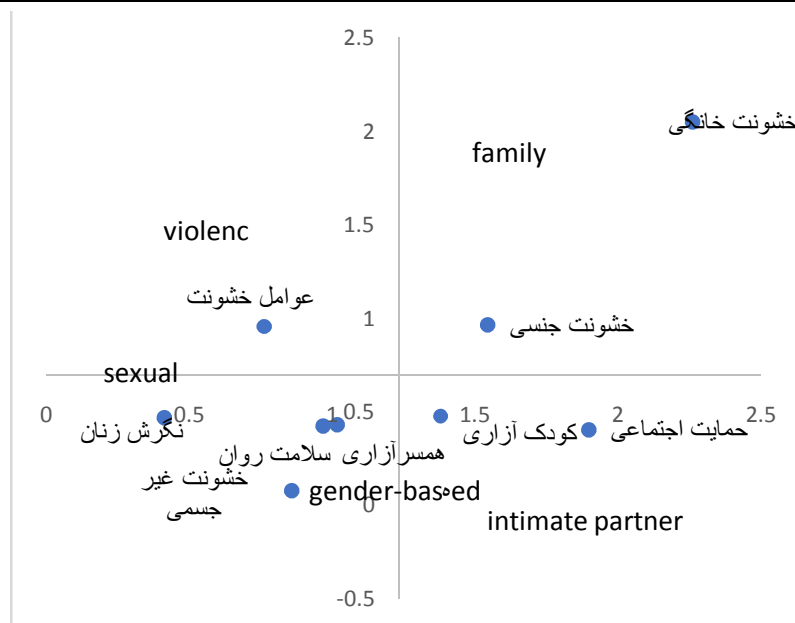
طبق شکل ۳، در کشورهای توسعه‌یافته در دهه ۱۹۸۰، ۸ خوشه شکل گرفته است و در پژوهش‌های داخل ایران در این برهه زمانی سیزده خوشه تشکیل شده است. در ایران، در این دهه، خوشه‌های پرخاشگری، سوء رفتار، نابرابری جنسیتی و بارداری در ناحیه بالغ و مرکزی قرار گرفته‌اند. در کشورهای توسعه‌یافته، خوشه‌های اخلاق، سلامت، خشونت جنسیتی و در ایران خوشه‌های آزار جنسی و فقر فرهنگی در ناحیه توسعه‌یافته و مجزا قرار دارند. در کشورهای توسعه‌یافته، خوشه‌های سوءاستفاده، خشونت شریک زندگی، خشونت خانگی و خشونت و در ایران خوشه عوامل اجتماعی در ناحیه مرکزی اما توسعه‌نیافته است. در ایران خشونت روان‌شناختی، خشونت اجتماعی، مردسالاری، جامعه‌پذیری، بهداشت و همسرآزاری در ناحیه در حال ظهور یا زوال هستند.

نمودار راهبردی خوشه‌های خشونت در تحقیقات زنان و خانواده در برهه زمانی دهه ۱۳۹۰ در جدول ۷ و شکل ۴ آورده شده است.

جدول ۷. تراکم و مرکزیت خوشه‌های به‌دست‌آمده از تحلیل هم‌وزگانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۹ ایران و ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ کشورهای توسعه‌یافته

کشورهای توسعه‌یافته		داخل کشور			
خوشه	تراکم	مرکزیت	تراکم	مرکزیت	خوشه
خشونت جنسی	۰/۱۶۶	۰/۷۵۷	۰/۹۶۷	۰/۱۵۴۲	خشونت جنسی
خشونت خانگی	۰/۲۸۷	۰/۲۹۰	۲/۰۵۲	۰/۲۲۵۸	خشونت خانگی
عوامل خشونت	۰/۰۴۴	۰/۵۲۴	۰/۹۵۹	۰/۰۷۶	عوامل خشونت
کودک‌آزاری	۰/۵۲۵	۰/۰۶۱	۰/۴۸	۰/۱۳۷۷	کودک‌آزاری
سلامت روان	۰/۴۰۶	۰/۹۸۷	۰/۴۰۶	۰/۱۸۹۶	سلامت روان
عوامل اجتماعی	۰/۲۸۶	۰/۵۳۴	۰/۴۲۸	۰/۰۹۶۶	عوامل اجتماعی
همسرآزاری			۰/۴۳۵	۰/۱۰۱۵	همسرآزاری
نگرش زنان			۰/۴۷۲	۰/۰۴۱۱	نگرش زنان
خشونت غیررسمی			۰/۰۸۱	۰/۰۸۵۷	خشونت غیررسمی
میانگین			۰/۶۹۷	۰/۱۲۳۱	میانگین

طبق جدول ۷، مهم‌ترین خوشه‌ها از لحاظ پرتکرارترین کلیدواژه‌ها و نفوذ و ارتباط با سایر موضوعات در داخل ایران، خوشه خشونت خانگی و خشونت جنسی و در کشورهای توسعه‌یافته، خشونت خانوادگی است.



شکل ۴. نمودار راهبری حوزه خشونت و زنان سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۹ ایران و ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ کشورهای توسعه‌یافته

طبق شکل ۵، در کشورهای توسعه‌یافته در دهه ۱۳۹۰، ۵ خوشه شکل گرفته است و در پژوهش‌های داخل ایران در این برهه زمانی ۹ خوشه تشکیل شده است. در ایران در این دهه، خوشه خشونت خانگی و خشونت جنسی و در کشورهای توسعه‌یافته خوشه خشونت خانوادگی در ناحیه بالغ و مرکزی قرار گرفته‌اند. در کشورهای توسعه‌یافته خشونت و در ایران عوامل خشونت در ناحیه توسعه‌یافته و مجزا قرار دارند. در کشورهای توسعه‌یافته، خوشه‌های خشونت جنسیت‌مدار و خشونت شریک زندگی و در ایران حمایت اجتماعی و کودک‌آزاری یک خوشه مرکزی اما توسعه‌نیافته است. در کشورهای توسعه‌یافته، خوشه خشونت جنسی و در ایران خوشه‌های خشونت روان‌شناختی، خشونت اجتماعی، مردسالاری، جامعه‌پذیری، بهداشت و همسرآزاری در حال ظهور یا زوال‌اند.

این بخش به مفاهیم خشونت در تحقیقات جنسیت، زنان، خانواده در ایران و کشورهای توسعه‌یافته پرداخته است که شکل‌های ۸ و ۹ بدین منظور تنظیم شده است.

طبق شکل ۶، در پژوهش‌های داخل ایران به ترتیب خشونت خانگی با ۷۷۰، خشونت خانگی علیه زنان با ۶۱۰، خشونت علیه زنان با ۴۹۳، خشونت شوهر با ۳۷۲، خشونت با ۳۰۹، عوامل مؤثر بر خشونت خانگی با ۲۵۷، عوامل خشونت علیه زنان با ۲۴۰، همسرآزاری با ۲۱۰ بالاترین رتبه مرکزیت را داشتند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، سعی شد با استفاده از تکنیک هم‌رخداد واژگانی و نمودار راهبردی، مفاهیم خشونت در تحقیقات جنسیت، زنان و خانواده در ایران و کشورهای توسعه‌یافته بررسی و تحلیل شود. مرور اجمالی مفاهیم خشونت طی سه دهه اخیر نشان می‌دهد که واژگان هسته قبل از سال ۱۳۸۰ شامل ۴ کلیدواژه در پژوهش‌های داخلی و در بازه زمانی سال ۲۰۰۰ در پژوهش‌های کشورهای توسعه‌یافته ۱۲، دهه ۱۹۸۰، ۱۴ و در فاصله ۲۰۰۰-۲۰۱۰، ۳۰ کلیدواژه و دهه ۱۹۹۰، ۲۶ و در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۰ شامل ۵۶ کلیدواژه مرتبط بوده است که نشان از غنی‌شدن واژگان هسته کلیدواژه‌های خشونت در حوزه تحقیقات جنسیت، زنان و خانواده در سطح داخل و خارج است. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های طباطبایی، کریمی و قاسم‌پور [۱۴] و کریمی و دیگران [۱۵] همسوست.

چهار کلیدواژه اصلی پیش از دهه ۱۹۸۰ شامل خشونت خانگی، خشونت، خشونت خانگی علیه زنان و خشونت علیه زنان معادل چهار کلیدواژه اصلی مطالعات کشورهای توسعه‌یافته شامل خشونت خانگی، خشونت، همسرآزاری و زنان است. دو کلیدواژه اول شامل خشونت خانگی و خشونت در دو حوزه فارسی و لاتین کاملاً مشابه هستند. همچنین مقوله بالغ داخلی شامل خشونت خانواده علیه زنان است؛ درحالی‌که مقوله بالغ مطالعات لاتین بر family, sexual abuse & assault پرداخته است که شمول و گستره بیشتری را در مطالعه خشونت علیه زنان نشان می‌دهد. درحالی‌که مقوله نوظهور پژوهش‌های داخلی بر خشونت خانگی، که به نوعی تکرار همان مقوله بالغ است، اشاره دارد در مقولات نشانه‌های آغاز به مطالعه Serious violence, violence, women & adolescence دیده می‌شود که تخصصی‌تر و مفهومی‌تر به نظر می‌آیند.

در دهه ۱۳۸۰، چهار کلیدواژه نخست پژوهش‌های داخلی شامل خشونت خانگی، خشونت، خشونت علیه زنان و همسرآزاری است که معادل لاتین آن در رتبه‌بندی gendered-based violence, aggression, battered women & dating violence مقایسه این دو دسته کلیدواژه می‌تواند بیانگر آن باشد که حوزه مطالعات کشورهای توسعه‌یافته به بخش گسترده‌تری از خشونت علیه زنان خارج از حوزه خانواده پرداخته است. همین‌طور مقوله بالغ این دوره مطالعات داخلی پرخاشگری، سوء رفتار، نابرابری جنسیتی و بارداری است که معادل

لاتین آن شامل ethnicity, health, gender violence است. هسته بالغ نابرابری جنسیتی را می‌توان معادل gendered-based violence و بحث بارداری را معادل هسته بالغ health و رسیدن ادبیات نظری آن به حوزه‌های مطالعاتی ایران دانست. همچنین، در حوزه مقوله‌های نوظهور داخل در این دهه به مفاهیم خشونت روان‌شناختی، خشونت اجتماعی، مردسالاری، جامعه‌پذیری، بهداشت و همسرآزاری اشاره داشت که معادل لاتین آن شامل abuse, intimate violence, domestic violence & violence است. در مقایسه این دو دسته مقولات نوظهور به بحث تفاوت‌های فرهنگی می‌توان نظر داشت از آن‌رو که در بحث خشونت لاتین به خشونت در روابط صمیمانه و در قرارهای پیش از ازدواج اشاره شده است؛ در حالی که مطالعه خشونت داخلی بر خشونت اجتماعی، مردسالاری و جامعه‌پذیری اشاره دارد که می‌توان آن را ناشی از ورود ادبیات gendered-based violence به حوزه مطالعات داخلی دانست.

در دهه ۱۳۹۰، چهارکلیدواژه نخست پژوهش‌های داخلی شامل خشونت خانگی، خشونت خانگی علیه زنان، خشونت علیه زنان و خشونت شوهر است. همسرآزاری از رتبه ۴ در دهه ۱۳۸۰ به رتبه ۶ در این دهه و دو کلیدواژه مهم عوامل مؤثر بر خشونت خانگی و عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان نیز در رتبه ۷ و ۸ قرار گرفته‌اند. معادل کشورهای توسعه‌یافته چهار کلیدواژه نخست در مطالعات لاتین شامل Intimate violence, Domestic violence, violence & Gender است که به نوعی تکرار کلیدواژه‌های دهه پیشین میلادی با تغییر در رتبه‌بندی و پرداخت پژوهشی به آن‌هاست. در بخش مقولات بالغ، مقولات بالغ مطالعات داخلی در حالی شامل خشونت خانگی و خشونت جنسی است که معادل لاتین آن family violence است که به نوعی شامل خشونت خانگی و خشونت جنسی نیز می‌شود. درخصوص مقولات نوظهور در حوزه مطالعات فارسی نگرش زنان، همسرآزاری، سلامت روان، خشونت غیرجسمی دیده می‌شود که به نوعی مباحث جنسیتی و خشونت مبتنی بر جنسیت را در ضمن خود دارد و به نوعی ارتباط مفهومی و هم‌راستایی پژوهشی با مقولات نوظهور لاتین شامل gender-based violence, intimate violence & sexual violence را نشان می‌دهد.

در تبیین یافته‌های یادشده، در پژوهش‌های داخلی می‌توان به مواردی همچون تأسیس رشته مطالعات زنان در دهه ۱۳۸۰ در دانشگاه‌ها و مراکز حوزوی، رشد تحصیلات تکمیلی و به تبع آن افزایش پایان‌نامه‌ها و... اشاره کرد. بررسی تغییرات کلیدواژه‌های مفاهیم خشونت نشان می‌دهد که کلیدواژه‌های دهه ۱۳۸۰ (دوره دوم) نسبت به قبل از ۱۳۸۰، ۴۲ درصد متفاوت بوده است و کلیدواژه‌های دهه ۱۳۹۰ (دوره سوم) نسبت به دهه ۱۳۸۰ (دوره دوم)، ۶۲ درصد تغییر داشته است. قبل از دهه ۱۳۸۰ موضوع محوری بیشتر پژوهش‌ها خشونت علیه زنان بوده است. رشد بیش از سه‌برابری کلیدواژه‌های هسته در دهه ۱۳۸۰ نسبت به دهه قبل، نشان از ظهور کلیدواژه‌های جدید در این دوره است. کلیدواژه‌های خشونت جنسی،

کودک‌آزاری، خشونت زناشویی، خشونت روان‌شناختی و خشونت فیزیکی از جمله این کلیدواژه‌هاست که حاکی از آن است که در این دوره مفاهیم خاص‌تر خشونت مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است. از نکات درخور توجه، ظهور کلیدواژه پزشکی قانونی با رتبه ۱۱ در این دوره است که نشان‌دهنده این است که توجه به حقوق زنان مورد خشونت فیزیکی قرار گرفته به مطالبه‌ای اجتماعی تبدیل شده است. کلیدواژه‌های هسته دوره سوم نسبت به دوره دوم رشد یک و نیم برابری داشته است. در این دوره، ضمن تداوم پژوهش‌ها روی کلیدواژه‌های هسته دو دوره قبل، بیشتر توجه به دنبال شناسایی علل و عوامل بروز پدیده خشونت علیه زنان بوده است. البته در این میان، واژگان جدیدی چون زنان قربانی خشونت، زنان متأهل و تجربه خشونت به چشم می‌خورد. برآیند کلی سه دهه مؤید این مسئله است که پژوهش‌های حوزه خشونت در حوزه جنسیت، زنان و خانواده با موضوعات کلی قبل از ۱۳۸۰ شروع شده و در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ به صورت تخصصی‌تر واکاوی شده‌اند.

طبق نمودار راهبردی پژوهش‌های حوزه خشونت در مقایسه با سه دوره زمانی با همدیگر می‌توان گستردگی و پوشش خوشه‌ها را نسبت به دوره‌ها مشاهده و فهم کرد. بدین معنا که بعضی از خوشه‌ها در یک دوره زمانی در ناحیه موضوعات نوظهور قرار گرفته و در دوره‌های بعدی توجهی به آن نشده است و بالعکس بعضی از خوشه‌ها طی دهه‌های بعد در ناحیه‌های بالاتری قرار گرفته و به خوشه بالغ تبدیل شده‌اند؛ درحالی که بعضی از خوشه‌ها در هر سه دوره زمانی جزء خوشه‌های بالغ‌اند و مورد توجه پژوهش‌گران بوده‌اند؛ مثلاً، آزار جنسی در پژوهش‌های داخل در دوره دوم در ناحیه توسعه‌یافته اما مجزاست، ولی در دوره سوم بالغ شده است؛ خوشه‌های خشونت روان‌شناختی (غیررسمی) و همسرآزاری پس از گذشت یک دهه هنوز جزء موضوعات نوظهورند؛ خوشه‌های خشونت خانگی و خشونت جنسی خوشه‌های اصلی هستند و موضوع خشونت خانگی در دوره اول و سوم بالغ بوده و مشخص است در پژوهش‌ها محوریت داشته است. در ایران خوشه عوامل اجتماعی در دهه ۱۳۸۰ در ناحیه خوشه مرکزی اما توسعه‌نیافته است که در دهه ۱۳۹۰ توجه چندانی به آن نشده است. در کشورهای توسعه‌یافته نیز، خوشه‌های خشونت جدی، خشونت، زنان و نوجوانی در برهه قبل از سال ۱۳۸۰ در زمره خوشه‌های نوظهورند که به این خوشه‌ها در دو دهه بعد توجه چندانی نشده است.

بررسی خشونت علیه زنان مفهومی متقدم و دیرپا در مباحث مطالعات اجتماعی و مطالعات زنان و جنسیت است. همان‌گونه که در جدول‌های موجود در این نوشتار نیز مشخص است، این مفهوم از خشونت به مبحث خشونت خانگی و از آن مبحث به خشونت خانگی علیه زنان تحول یافته است. این تحول که بیانگر سیر امر کلی (خشونت) به مفاهیم اختصاصی (خشونت علیه زنان) است بر نوع خاصی از خشونت و در مکان خاصی از آن تمرکز یافته است: خشونت مبتنی بر

جنسیت (زن) و خشونت واقع شده در خانه (خانواده). مسئله اصلی در این سیر که در روند مطالب و در جداول راهبردی به آن اشاره شده است، حوزه جنسیت و نابرابری حاصل از آن به عنوان عامل مؤثر بر وقوع خشونت (از جانب مردان نزدیک) بر زنان است. چنان که مباحث مطالعات زنان و جنسیت در فضای آکادمیک دانشگاهی پیشرفت می کند [۱۷]. مباحث حوزه خشونت نیز با پیوسته‌ای دقیق‌تری چون بهداشت، سلامت روانی، خشونت علیه کودکان و دختران، سقط جنین (ناشی از خشونت شوهر علیه زن یا به جهت تجاوز خانگی) و... همراه می شود. تطبیق این سیر در اسناد مصوب بین‌المللی در حوزه خشونت (خانگی) علیه زنان نیز قابل ردیابی است: کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در ماده ۱۲ و ۱۹ (۱۹۷۹)؛ کنوانسیون جهانی حقوق بشر (۱۹۹۳) و اشاره به خشونت علیه زنان به عنوان نقض حقوق بشر؛ اعلامیه رفع خشونت علیه زنان (۱۹۹۳) به عنوان اولین سند بین‌المللی که مستقیماً به خشونت و جنسیت پرداخته است؛ مجمع جهانی بهداشت (۱۹۹۶) که خشونت و خشونت جنسی را در ارتباط با بهداشت عمومی می شمارد؛ مجمع جهانی بهداشت (۲۰۰۲) و کمیسیون مقام زن ملل متحد (۲۰۱۳) و توافق بر حذف و منع همه انواع خشونت علیه زنان و دختران. ارتباط به رسمیت شناختن خشونت علیه زنان و مسئله خشونت خانگی علیه زنان به تلاش نخله‌های فمینیستی به ویژه فمینیست رادیکال، مارکسیسم و سوسیال [۹] مرتبط است که خانه را به عنوان مهم‌ترین مکان بازتولید جنسیت و مناسبات نابرابر قدرت و منزلت ناشی از آن معرفی کردند و در جریانی ضد خانواده‌گرا آن را مهم‌ترین مکان خشونت علیه زنان دانستند. در این مسیر و پس از پالایش جریان‌های فمینیستی و ضد خانواده‌گرا از افراط و تفریط‌های اولیه، خانواده و سوبه‌های مولد خشونت آن مورد بررسی دوباره قرار گرفت و به این نکته انجامید که لازم است مسئله خشونت و رفع آن در نگاهی فراتر از تعیین مجرم و قربانی و مکان وقوع آن باز مطالعه شود.

بررسی کلیدواژه‌ها در فضای پژوهشی جامعه ایرانی در حوزه خشونت نیز محل تأمل است. مطابق بررسی این پژوهش در سه دوره میان سال‌های پیش از دهه ۱۳۸۰، ۱۳۸۰-۱۳۸۹ و ۱۳۹۰-۱۳۹۸ ارتباط میان جریان‌های بین‌المللی و حوزه‌های مطالعاتی خشونت در جامعه ایرانی را نیز تا حدودی آشکار می کند. ایران پس از انقلاب اسلامی و سال‌های جنگ، فرصتی برای پرداخت به مسائل بخش خاصی از جامعه را ندارد. پس از پایان جنگ، فضای محدودی جهت ورود به مسائل مطرح شده بین‌المللی چون کنوانسیون رفع هرگونه خشونت علیه زنان و اجلاس پکن (۱۹۹۵) فراهم شد. با تغییر دولت و باز شدن فضا و مشارکت سیاسی افراد در جامعه، درخواست زنان برای حضور جدی در جامعه و رسیدگی به وضعیت آنان مطرح شد. این درخواست با کلیدواژه برابری مطرح شد و مبحث خشونت نیز به منزله مصداقی از نابرابری حقوق و قدرت زن و مرد مطرح شد. ایجاد رشته مطالعات زنان و ارائه مقالات و رساله‌های

دانشگاهی نیز در رشد حجم مطالعات در حوزه زنان و مبحث خشونت مؤثر بوده است [۷]. با تغییر دولت و تحول در سیاست‌های مربوط به حوزه زنان و خانواده، تمرکز بر مسائل زنان در حوزه عمومی پایان یافته و زنان در خانواده و در نقش‌های خانگی پررنگ‌تر دیده شدند. اقدام مهم این دوره از بین بردن مجموعه تحقیقات در حوزه خشونت علیه زنان در ایران بوده است که ضمن یک پروژه بین‌المللی انجام شده و رقم خشونت اعلام‌شده در آن جامعه ایران را یک جامعه خشونت‌زده علیه زنان توصیف می‌کرد. این نقد به‌ویژه بر تعریف خشونت و توسعه مفهومی آن تأکید داشت که از کوچک‌ترین دلزدگی کلامی تا خشونت شدید فیزیکی را خشونت تعریف کرده بود. در این دوره زمانی، مسائلی از قبیل خشونت علیه زنان و خشونت خانگی علیه زنان مورد تدقیق و توصیف مفهومی قرار گرفت و خشونت روانی، کلامی، فیزیکی و... بررسی شد. تلاش برای تعریف دقیق خشونت تا زمان حاضر و در لایحه تأمین امنیت زنان علیه خشونت در دولت‌های بعد نیز ادامه یافته است.

در مجموع، مطالعه رویه پژوهش‌های خشونت خانگی علیه زنان و مطابقت آن با کلیدواژه‌های مطالعات و پژوهش‌های خارجی نکات ذیل نیازمند توجه جدی به نظر می‌آید. نخست آنکه موضوع این مطالعات وارداتی و البته تحت‌تأثیر جریان‌های سیاسی درونی است؛ عطف به نکته اول، موضوعات کمتر بومی و بیشتر به کلیات مباحث خشونت می‌پردازند و در ضمن به توسعه واژگانی خشونت به صورت کلماتی مانند خشونت فیزیکی، روان‌شناختی و... منجر شده است؛ نکته سوم آنکه نه در مطالعات داخلی و نه در مطالعات مشابه لاتین به عنصر خشونت‌ورز که اغلب مردان هستند پرداخته نشده است. این مطالعات اغلب در ضمن مفهوم جنسیت به وضعیت زنان پرداخته و کمتر به دلایل مردان و کنش خشونت‌ورزانه از جانب آن‌ها پرداخته است؛ نشان این ماجرا آنکه حتی در بخش هسته‌های نابالغ یا در حال ظهور نیز واژه‌ای نزدیک به این موضوع یافت نشده است.

در مجموع، یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که خشونت در داخل و خارج از ایران به میزانی از بلوغ نرسیده است که بتوان مطابق یافته‌های این پژوهش آن را جامع دانست و شاید یکی از علل عدم کاهش خشونت‌های خانگی نابسندگی پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه است که جوانب آن را به میزان کافی نسنجیده و بنابراین راهکارهای ارائه‌شده از جانب آن‌ها کم‌اثر باقی مانده‌اند. در حوزه پژوهش‌های داخلی نیز، عدم شناخت ابعاد بومی خشونت علیه زنان بر وضعیت پیش‌گفته نخست اضافه‌شده و مسئله خشونت خانگی را همچنان مسئله نیازمند توجه جامعه ایرانی کرده است. این امر نیازمند هدایت پژوهش‌ها به سمتی است که بتوان ابعاد پنهان خشونت خانگی را مطالعه و آن را در بستر جامعه ایرانی فهم کرد و پس از آن راهکارهای مؤثر را از نتایج آن استخراج کرد.

منابع

- [۱] احمدی، حمید؛ کوکبی، مرتضی (۱۳۹۴). «همایندی واژگان: مطالعه‌ای پیرامون پیوند و مرز میان مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش براساس انتشارات داخلی نویسندگان ایرانی»، پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ش ۳۰، ص ۶۴۷-۶۷۶.
- [۲] آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۱). «نگاه تطبیقی به موضوع خشونت علیه زنان» (بخش نخست)، بیوند، ش ۲۷۳، ص ۷۸-۹۱.
- [۳] باب الحوائجی، فهیمه؛ هاتفی مستقیم، رقیه و همکاران (۱۳۹۸). «نقشه مفهومی خانواده در ایران (مطالعه متون منتشرشده در موضوع مطالعات زنان) (۱۳۷۴-۱۳۹۷)»، فصل‌نامه علمی- پژوهشی مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)، ش ۸۳، ص ۵۳-۷۸.
- [۴] بختیاری، آمنه؛ بدوی، فاطمه؛ هاشمی فشارکی، مریم‌السادات؛ نصیری، بهاره (۱۳۹۳). «تحلیل محتوای موضوعی مقالات علمی- پژوهشی حوزه زن و خانواده». پژوهش‌نامه زنان، ش ۱۰، ص ۱-۲۲.
- [۵] توکلی‌زاده راوری، محمد؛ دهقانی، فاطمه؛ نجابتیان، مریم؛ سهیلی، فرامرز (۱۳۹۴). «تحلیل محتوای مقالات فارسی نشریات علمی ایران در زمینه ازدواج و طلاق»؛ فصل‌نامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ش ۳۲، ص ۷-۲۸.
- [۶] توکلی فراش، لیلا (۱۳۹۵). «ترسیم و تحلیل نقشه علم‌نگاشتی برون‌دادهای حوزه کارآفرینی در بازه زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵ از طریق هم‌رخدادی واژگان در پایگاه استنادی وب آ و ساینس و تعیین جایگاه ایران در این حوزه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی گرایش مدیریت کتابخانه‌های دانشگاهی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۹۵.
- [۷] حامدیان اصفهانی، زینب (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان زن و خانواده در دولت‌سازندگی: بر اساس رویکرد تاریخی- گفتمانی وداک»، رساله کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- [۸] خادمی، عطفه (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان‌های تحول در وضعیت اجتماعی زنان در سه دهه اخیر با تأکید بر نهادی سیاست‌گذار در ایران»، رساله دکتری، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- [۹] رودگر، نرجس (۱۳۸۸). «فمنیسیم: تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها و نقد»، قم: دفتر مطالعات تحقیقات زنان.
- [۱۰] زاهد زاهدانی، سعید؛ اسفندیاری، مینا (۱۳۹۵) آموزه‌های اسلامی در نفی خشونت خانگی علیه زنان. همایش آموزه‌های اسلامی، انسان معاصر و نظام خانواده. در دسترس از <https://civilica.com/doc/714357>
- [۱۱] زاهدی، کیوان؛ ایمانی، آسیه (۱۳۹۰). «زن در ضرب‌المثل‌های انگلیسی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی»، مجله نقد زبان و ادبیات خارجی، دوره چهارم، ش ۷، ص ۸۱-۱۱۳.
- [۱۲] سهیلی، فرامرز؛ شعبانی، علی؛ خاصه، علی‌اکبر (۱۳۹۵). «ساختار فکری دانش در حوزه رفتار اطلاعاتی: مطالعه هم‌واژگانی»، تعامل انسان و اطلاعات، ش ۴، ص ۲۱-۳۶.
- [۱۳] صدیقی، مه‌ری (۱۳۹۳). «بررسی کاربرد روش تحلیل هم‌رخدادی واژگان در ترسیم ساختار

- حوزه‌های علمی (مطالعه موردی: حوزه اطلاع‌سنجی)، پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ش ۳۰، ص ۳۷۳-۳۹۶.
- [۱۴] طباطبایی امیری، فائزه‌السادات؛ کریمی، رضا؛ قاسمیور، فاطمه (۱۳۹۸). «مطالعه علم‌سنجی حوزه جنسیت، زنان و خانواده با استفاده از ترسیم نقشه هم‌رخدادی واژگان»، *مطالعات جنسیت و خانواده*، ش ۷، ص ۳۱-۶۰.
- [۱۵] کریمی، رضا؛ اسدتاش، محمدعلی؛ نصیری، محمدرضا؛ طباطبایی امیری، فائزه‌السادات (۱۳۹۹). «تحلیل واژگانی و روند موضوعی مفاهیم قرآن و اهل بیت(ع) در موضوعات جنسیت، زنان و خانواده(ع) با بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای علم‌سنجی». گزارش طرح پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دانشگاه قم.
- [۱۶] محمدی، احسان (۱۳۸۷). «ترسیم نقشه علمی نانو تکنولوژی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- [17] Chafetz JS, editor. Handbook of the Sociology of Gender. Springer Science & Business Media; 2006 Nov 22.
- [18] Coker AL, Davis KE, Arias I, Desai S, Sanderson M, Brandt HM, Smith PH. Physical and mental health effects of intimate partner violence for men and women. *American journal of preventive medicine*. 2002 Nov 1; 23(4), PP 260-8.
- [19] Fulu E, Miedema S. Globalization and changing family relations: Family violence and women's resistance in Asian Muslim societies. *Sex Roles*. 2016 May 1;74(11-12), PP 480-94.
- [20] Garcia-Moreno C, Jansen HA, Ellsberg M, Heise L, Watts CH. Prevalence of intimate partner violence: findings from the WHO multi-country study on women's health and domestic violence. *The lancet*. 2006 Oct 7;368(9543), PP 1260-9.
- [21] He, Q. (1399). "Knowledge discovery through co-word analysis", *Library trends*, 48, PP 133- 159
- [22] Hu J, Zhang Y.(2015). Research patterns and trends of Recommendation System in China using co-word analysis. *Information Processing & Management*. 51, PP 329-39.
- [23] Johnson MP. Patriarchal terrorism and common couple violence: Two forms of violence against women. *Journal of Marriage and the Family*. 1995 May, PP 283-294.
- [24] Ke W, Yunjiang X, Xiao L, Weichan L.(2013). Analysis on current research of supernetwork through knowledge mapping method. In *International Conference on Knowledge Science, Engineering and Management 2013 Aug 10* (PP 538-550). Springer, Berlin, Heidelberg.
- [25] Melcer E, Nguyen TH, Chen Z, Canossa A, El-Nasr MS, Isbister K. (2015). Games research today: Analyzing the academic landscape 2000-2014, network. 22, PP 17-20.